

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Study of Motifs in Zoroastrian Needlework Based on Anthropological Aspect of Art
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مطالعه نقوش زرتشتی دوزی با رویکرد انسان‌شناسی هنر

رویا عزیزی*^۱، زهره طباطبایی جبلی^۲

۱. مربی، گروه هنر اسلامی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه هنر اسلامی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۷ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۸ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۴/۰۱

چکیده

بیان مسئله: هنر «زرتشتی دوزی» نوعی سوزن دوزی مخصوص بانوان زرتشتی است که پیشینه آن را می‌توان در ایران پیش از اسلام دانست. بسیاری از نقوش زرتشتی دوزی دارای معانی و ریشه‌های فرهنگی دینی و زیبایی‌شناختی است که تاکنون به آن پرداخته نشده و شناسایی آن می‌تواند معنای پنهان این نقوش را، که از دید برخی صرفاً نقوشی بدون معناست، آشکار کند.

هدف پژوهش: به دلیل وجود نقش‌مایه‌های متفاوت و مفاهیم نمادین آن‌ها، پژوهش پیش رو در نظر دارد به بررسی و فهم نقوش هنر زرتشتی دوزی از دیدگاه فرهنگ و جامعه آفریننده‌اش بپردازد.

روش پژوهش: این مقاله با رویکرد انسان‌شناسی هنر به دنبال پاسخ پرسش زیر است: معانی فرهنگی، معیارهای زیبایی‌شناختی و کارکردی نقوش زرتشتی دوزی چیست؟ جهت پاسخ به این پرسش براساس نظریات انسان‌شناسی هنر با استفاده از سه بعد معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر پژوهش‌های میدانی، کتابخانه‌ای و مصاحبه، نقوش تزئینی تحلیل و بررسی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بر مبنای تحلیل معناشناختی بسیاری از نقوش یادآور کهن‌الگوهایی چون مادر و درخت است و این نقوش، که برخی از آنها روی لباس عروس کار شده، نمایانگر الهه زایش بوده‌اند و رابطه مفهوم و کاربرد را نشان می‌دهند. همچنین براساس تحلیل زیبایی‌شناختی ساختار، رنگ، فرم، بافت و ترکیب‌بندی با الگوی دوخت هماهنگ و دارای تعادل، تنوع و ریتم است. در تحلیل کارکردشناختی نیز نقوش بیشتر روی لباس زنان به‌خصوص عروس‌ها کار می‌شده و با کاربرد آن از نظر معنایی هماهنگ بوده و یادآور این دیدگاه آیین زرتشت است که تکلیف انسان را شاد زیستن می‌دانسته است.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی هنر، معناشناختی، زیبایی‌شناختی، کارکردشناختی، نقوش زرتشتی دوزی.

مقدمه و بیان مسئله

که «گل و نقش» نام قدیمی آن در بین جامعه زرتشتی است و امروزه آن را «زرتشتی دوزی» می‌نامند. زرتشتی دوزی نوعی دوخت ظریف با نخ‌های رنگی شاد روی پارچه‌های ریزبافت است. سنت تهیه و پوشیدن جامه‌های زرتشتیان مزین به این هنر از دیرباز در شهر یزد و تا حدودی در کرمان و تهران رواج داشته است، ولی متأسفانه در حال

زرتشتیان ایران از جمله افرادی هستند که با گذشت زمان، آداب، رسوم و هنر خویش را حفظ کرده‌اند و یکی از هنرهای تاریخی ارزشمندشان هنری منحصر به فرد از سوزن دوزی‌هاست

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۰۲۸۱۶۲، razi@ui.ac.ir

دارای زرتشتی دوزی پرداخته است. با توجه به موارد گفته شده، هدف اصلی این پژوهش فهم معانی فرهنگی و زیبایی شناختی و کارکرد نقوش به کاررفته در زرتشتی دوزی با توجه به تنوع بصری شان و مطالعه درمورد مفاهیم نمادین آنهاست که در تحقیقات انجام شده بدان پرداخته نشده است.

مبانی نظری

انسان شناسی هنر شاخه‌ای از انسان شناسی است که به فهم هنر از دیدگاه فرهنگ آفریننده اش می‌پردازد. نشان دادن اینکه اشیای هنری چگونه در فرهنگ یک جامعه خاص تولید می‌شوند و چه کارکردی برای آن فرهنگ دارند وظیفه یک انسان شناس است (Morphy & Perkins, 2006, 15). از نظر هوارد مورفی^۱ اصل عمومی که باید قضیه محوری انسان شناسی هنر باشد عبارت است از اینکه «فهم اهمیت اثر نیاز به قراردادن آن در وسیع ترین زمینه ممکن است. فهم تأثیر یا اهمیت فوری اثر بدون فهم زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی تولید آن نه کافی نه ممکن است» (ibid., 17). او تعریف زیر را برای آثار هنری ارائه می‌دهد: «آثاری که ویژگی‌های معناشناختی و زیباشناختی دارند و برای نمایاندن یا بازنمایی به کار می‌روند» (Morphy, 1994, 655). با توجه به مطالب گفته شده در انسان شناسی هنر، آثار هنری از سه دیدگاه اصلی تحلیل می‌شوند: معناشناختی، زیباشناختی و کارکردشناختی (ibid.). از دیدگاه معناشناختی، آثار هنری ابزارهایی هستند که معنا را رمزگذاری یا چیزی را بازنمایی می‌کنند و یا معنای خاصی به وجود می‌آورند. از دیدگاه زیباشناختی، آثار هنری در ارتباط با اثر زیباشناختی یا خصوصیات بیانی شان تحلیل می‌شوند و از دیدگاه کارکردشناختی، اثر هنری به عنوان یک کالا از لحاظ کاربرد و تزیین مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بعد معناشناختی، هنر همچون نظامی معناشناختی تصویر می‌شود که با استفاده از دال‌های دیداری به دنبال انتقال مدلول‌ها یا مفاهیم مختلف است. در این مطالعه اینکه «نقوش چگونه و چه معنایی می‌دهند مورد توجه است» (Morphy & Perkins, 2006, 325). انسان شناسی، برای دستیابی به معنای نمادهای هنری لازم است شکل در زمینه فرهنگی خود مورد توجه قرار گیرد. همچنین به صورت متقابل برای درک فرهنگ «که مجموعه‌ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه‌ها درک و تفسیر می‌شود» (فکوهی، ۱۳۸۸، ۲۵۴)، باید ابتدا به تحلیل نمادهای فرهنگی و هنری پرداخته شود. «نمادهای هنری به ویژه در مناسک ناقل معنایی هستند که از هنرمند به مخاطب منتقل می‌شود و با این انتقال بین هنرمند، شیء هنری و مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند» (قانی، ۱۳۹۵، ۲۵). دغدغه اصلی انسان شناس زیبایی شناسی شیء در زمینه فرهنگ تولیدکننده است (Morphy, 1994, 655). ویژگی‌های اشیا در

حاضر نزد زرتشتیان یزد و کرمان به صورت محدود اجرا می‌شود. پس از ظرافت، که یکی از مشخصه‌های بارز هنر زرتشتی دوزی است، نقش مایه‌های متنوع و خاص آن از دیگر ویژگی‌های این هنر است. این رودوزی دربرگیرنده نگاره‌ها و نمادهای خاصی است که هر یک درون مایه ویژه‌ای برگرفته از باورهای زرتشتیان دارد. زرتشتیان این نگاره‌ها را روی جامه‌های جشن‌ها از جمله لباس نوعروسان نیز می‌دوختند تا شاید باورهایی مانند باروری، شادی، زندگی جاوید و ... را به نمایش بگذارند.

در این مقاله نگارندگان در پی پاسخ به این سؤال هستند که معانی فرهنگی، معیارهای زیبایی شناختی و کارکردشناختی نقوش زرتشتی دوزی چیست؟ لذا با روش انسان شناسی هنر به مطالعه و تحلیل شکلی این نقوش و ارتباط آن‌ها با عوامل مؤثری چون فرهنگ، اندیشه‌ها و باورهای زرتشتیان پرداخته‌اند، زیرا آثار هنری در پرتو فهمی مشخص از اندیشه سازندگان آن‌ها معنا می‌یابند. روند روبه‌زوال این هنر و نبود مطالعات تخصصی و فرهنگی روی نقوش هنر زرتشتی دوزی دلیل انتخاب این موضوع برای انجام این پژوهش بوده است.

پیشینه پژوهش

تعداد تحقیقات جامعی که درباره هنر زرتشتی دوزی، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن، در مقایسه با دیگر رودوزی‌های ایرانی صورت گرفته بسیار محدود است. تحقیقات انجام شده با موضوع بررسی پوشاک ایرانیان فقط به بررسی پوشاک در دوره‌های تاریخی ایران می‌پردازند (ضیاءپور، ۱۳۴۳؛ ضیاءپور، ۱۳۴۵؛ غیبی، ۱۳۷۸؛ پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷) و یا در کتاب‌هایی که به پوشاک زرتشتیان اشاره شده، مانند سفرنامه‌ها، تنها به معرفی انواع پوشاک زنان زرتشتی پرداخته شده (شاردن، ۱۳۳۷، ج. ۴؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳؛ تاورنیه، ۱۳۶۹؛ سانسون، ۱۳۷۷؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ کاری، ۱۳۸۳) و یا در معدود مقاله‌ای چون مقاله جعفری (۱۳۹۰) تنها به بررسی نوع پوشش زنان زرتشتی در ایران عصر صفوی پرداخته شده است. همچنین در مواردی فقط به ذکر انجام گلدوزی روی لباس این اقلیت دینی پرداخته شده که منظور همان هنر زرتشتی دوزی است (انجمن بین‌المللی زنان در ایران، ۱۳۵۲؛ گلاک و گلاک، ۱۳۵۵؛ بژگی، ۱۳۹۱). در تحقیقات صورت گرفته روی رودوزی‌های ایرانی اعم از کتاب‌ها (صبا، ۱۳۷۹؛ یآوری، ۱۳۸۵) و پایان‌نامه‌ها (مزدپور، ۱۳۸۶) به صورت مختصر به معرفی انواع رودوزی‌های ایران از جمله این هنر پرداخته شده است. در اغلب پایان‌نامه و مقاله‌هایی که در ارتباط با رودوزی‌های سنتی ایران است تنها به انواع بلوچی دوزی و رودوزی ترکمن پرداخته شده است. می‌توان تنها تحقیق جامع صورت گرفته را کتاب مزدپور و مزدپور (۱۳۹۶) دانست که به تاریخچه، شیوه تولید، معرفی پوشاک زرتشتیان و همچنین بررسی تعدادی اثر

که «تحلیل فرم می‌تواند مبنایی برای فهم شیوه‌های رمزگذاری معنا در هنر باشد» (Morphy & Perkins, 2006, 324)، موضوعات نقوش و نمادشناسی آنها مورد مطالعه قرار گرفته است، سپس در تحلیل زیبایی‌شناختی، فرم و ساختار و الگوی دوخت این هنر بررسی شده و در نهایت به کارکردهای این هنر در جامعه هدف پرداخته شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد انسان‌شناسی هنر

• تحلیل معناشناختی

- موضوعات نقوش به کاررفته در هنر زرتشتی دوزی

موضوعات نقوش هنر زرتشتی دوزی را با توجه به نمونه‌های بررسی شده می‌توان به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:^۱ (جدول ۱ - تصویر ۲)

۱. نقوشی که باز نمود و ملهم از طبیعت اطراف منطقه هستند که به دو دسته جانوری و گیاهی تقسیم می‌شوند. نقوش جانوری در این هنر شامل:

- پرنده: طاووس با پره‌های بسته، طاووس با پره‌های باز، خروس، مرغ، جوجه، هدهد و انواع دیگر پرندگان.

- ماهی: انواع ماهی به صورت تک و طرحی موسوم به حوض و ماهی. - دیگر جانوران: حیوانات شاخدار (قوچ، آهو، بز)، پروانه، گربه، نقشی شبیه به شتر، مار، جانوران خیالی و انتزاعی.

انواع مختلفی از نقش‌مایه‌های گیاهی در دو دسته درخت و گل:

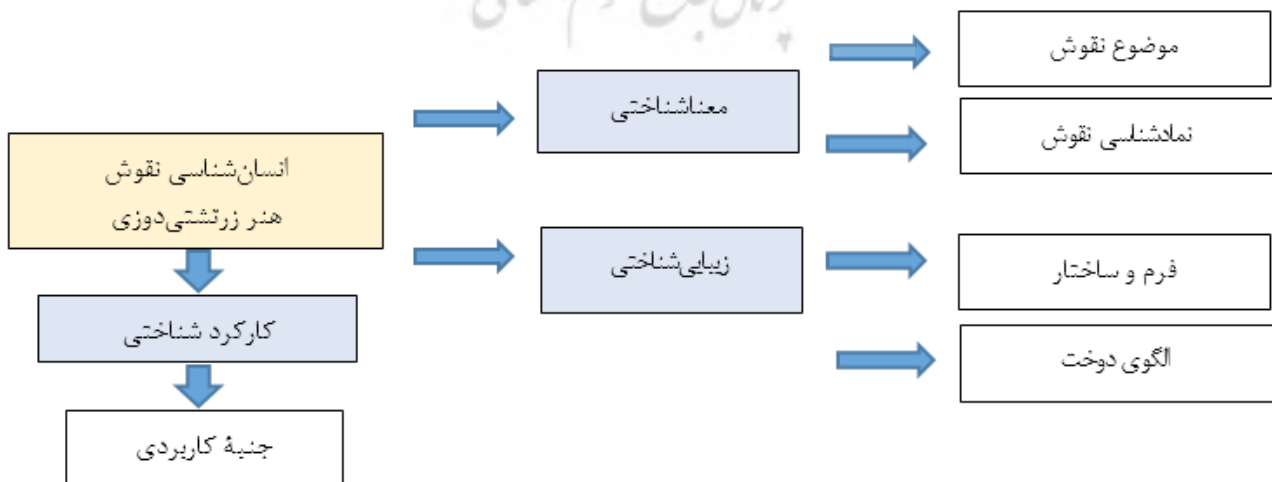
- درخت: سرو یا سرو آزاد، سرو خمیده یا بته جقه، درخت زندگی. - گل: شیلونه^۲، گل چندپر، نقشی شبیه به گل انار یا گلناری، گل همراه با گلدان، نقشی شبیه گل آفتابگردان یا میخک، انواع گل‌های مختلف به صورت بوتنه گل همراه با برگ.

۲. نقوش هندسی از جمله دایره، لوزی، مثلث، مربع، خطوط مورب و نقش موجی شکل که به هفت و هشت معروف است.

خودشان ویژگی‌های زیباشناختی نیستند، بلکه این ویژگی‌ها از طریق جای گرفتن در نظام‌های ارزش و معنا، که آنها را در درون فرایندهای فرهنگی ادغام می‌کند، تبدیل به ویژگی‌های زیباشناختی می‌شوند (Morphy, 1992, 10). طبق این نظر، مورفی زیبایی‌شناسی را حداقل در دو قلمرو جای می‌دهد: «۱. اینکه چگونه چیزی حس می‌شود و ۲. اینکه چگونه چیزی فهمیده می‌شود» (ibid., 11). مورفی زیبایی‌شناسی را بررسی تأثیری که شکل (به‌طور گسترده شامل شکل، بافت، نور، سایه، مزه و بو و ...) روی حس دارد، می‌داند (Morphy & Perkins, 2006, 293). جهت دستیابی به این اهداف تمرکز محوری در انسان‌شناسی هنر باید بر توضیح فرم باشد. تمرکز بر فرم مدخلی فراهم می‌کند برای فهم جنبه‌های دیگر هنر و به‌طور کلی‌تر، فهم فرایندهای فرهنگی (ایزدی جیران، ۱۳۹۳، ۱۳). مورفی فرم را به‌طور وسیعی تعریف می‌کند که هم دربرگیرنده ریخت است و هم جزئیات ترکیب و ساخت را شامل می‌شود.

روش‌شناسی

پژوهش پیش رو از نوع کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای رویکرد انسان‌شناسی هنر انجام گرفته است. روش گردآوری اطلاعات بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و بررسی نمونه‌های موجود و همچنین مصاحبه با افراد مطلع صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند و جامعه آماری تعداد ۲۷ اثر دارای زرتشتی‌دوزی مربوط به دوره‌های صفویه، قاجار و معاصر است. در نهایت با توجه به تحلیل انسان‌شناسی هنر بر مبنای بعد معناشناختی، بعد زیبایی‌شناختی و همچنین کارکردشناختی آثار هنری، به تحلیل نقوش زرتشتی‌دوزی پرداخته شده است. براساس تصویر ۱ ابتدا در تحلیل معناشناختی، با توجه به این موضوع



تصویر ۱. فرایند تحلیل انسان‌شناسی نقوش هنر زرتشتی‌دوزی. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. تقسیم‌بندی نقوش زرتشتی دوزی، مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	تصویر	نقوش
از راست: طاووس با پره‌های بسته، طاووس با پره‌های باز، خروس، جوجه		پرنده
انواع نقش ماهی		جانوری ماهی
حیوان شاخدار، گربه، پروانه		دیگر جانوران
انواع نقش درخت		درخت
انواع نقش گل و بوته گل		گیاهی گل
انواع نقوش هندسی		نقوش هندسی
انواع نقوش مفهومی		نقوش مفهومی

دوره صفویه است، می‌توان چنین استنباط کرد که طرح دو انسان نمادی از عروس و داماد است و با توجه به دیگر نقوش نقش‌شده کنار آنها که شامل طاووس، گیاهی شبیه مورد یا مورت که مورد تقدس زرتشتیان است، ماهی و نقش هندسی میان دو نفر که شبیه گل یا ستاره است و همچنین نقش زیر پای آنها که می‌تواند مار باشد، احتمالاً مجموع این نقوش یک نوع طلسم باروری و خوشبختی است که در لباس عروس کار شده است.

نمادشناسی موضوعات نقوش به کاررفته در زرتشتی‌دوزی - نمادهای جلوه‌گر شده در آثار فرهنگی هنری در جامعه عموماً از باورها و اعتقادات سرچشمه می‌گیرند که فرهنگ و پیشینه فرهنگی در ساختار آنها تأثیر به‌سزایی دارد. حضور نماد و رمز از ویژگی‌های بارز هنر شرقی است و به مفاهیم عظیم و معانی پیچیده‌ای اشاره دارد که از عوامل آیینی، فولکلور جامعه و ناخودآگاه جمعی نشئت گرفته است. این موضوع چیزی است که یونگ در مفهوم کهن‌الگو به آن اشاره می‌کند. او معتقد است «منشأ اسطوره‌ها در ناخودآگاه انسان‌هاست و کهن‌الگوهایی که در ظاهر به نظر می‌رسد در طول یک دوره تاریخی فراموش شده‌اند، یک‌بار در صحنه فرهنگ با شکلی دیگر پدیدار می‌شوند» (یونگ، ۱۳۶۸، ۲۲). این تصاویر تکرار الگوهایی فکری و اندیشه‌ای و اعتقادی هستند که نماینده تجارب انسان‌ها است (اسنودن، ۱۳۹۳، ۹۷).

تولد، مرگ، مادر مثالی، آب، درخت، خورشید، دایره و ... در ذهن انسان‌ها مفهوم خاص دارد که در اثر آموزش ایجاد نشده و در آثار هنری که زمینه‌ای بکر برای حکومت ناخودآگاه است به خوبی نمایان می‌شوند. با توجه به موارد گفته شده درباره کهن‌الگو و ذکر این نکته که نقش‌های به کاررفته در زرتشتی‌دوزی هریک درون‌مایه ویژه‌ای در باورهای زرتشتیان و ایرانیان دارند، در این هنر تصاویر با جهان‌بینی آکنده از خوش‌بینی و شادانگاری زرتشتیان هماهنگ است. چنین



تصویر ۲. تقسیم‌بندی نقوش زرتشتی‌دوزی، مأخذ: نگارندگان.

۳. نقوش مفهومی که در دو دسته نقوش برگرفته از محیط و نقوش ترکیبی است.

- نقوش برگرفته از محیط شامل: نقش خورشید خانم و نقشی شبیه به برسم‌دان^۴ (تصویر ۳)، با توجه به اهمیت برسم در آیین زرتشت چنین استنباط می‌شود که چنین نقشی نماد شکرگزاری از برکت‌های رویشی و گیاهانی است که منبع تغذیه انسان و حیوان است.

- نقوش ترکیبی: از تلفیق دو یا چند نقش به وجود می‌آیند و بیشترین نقوش ترکیبی در این هنر شامل: نقش دو حیوان در طرفین درخت، نقشی موسوم به حوض و ماهی که بیشتر در مرکز طرح اصلی آورده می‌شود و شامل دایره‌ای در وسط و نقش ماهی به دور آن است (تصویر ۴) و همچنین نقش دو انسان نشسته روبه‌روی هم (تصویر ۵). در ارتباط با نقش دو انسان نشسته روبه‌روی هم، که جزئی از نقوش یک لباس عروسی از



تصویر ۳. راست: تصویری از مراسم مذهبی زرتشتیان که در آن موبد زرتشتی در حال استفاده از برسم‌دان است. مأخذ: <http://iusnews.ir>. چپ: برسم‌دان و نقش موسوم به برسم‌دان به کاررفته در هنر زرتشتی‌دوزی، مأخذ: نگارندگان.

آناهیتا یا ناهید دارای نمادهایی است که می‌توان حضور این نمادها را در نقش‌مایه‌های زرتشتی دوزی مشاهده کرد. در ادامه به رابطه این نقوش با الهه باروری پرداخته می‌شود (جدول ۲).

- نقوش گیاهی

- درخت: از پرکاربردترین نقوش در سوزن‌دوزی هاست. «درخت تداوم حیات و باروری را تداعی می‌کند و ساحتی زنانه دارد و

استنباط می‌شود که چون این هنر زینت جامه جشن‌ها بوده، نقوش‌ها و همچنین رنگ‌هایی در آن به‌تصویر درآمده که با مجالس مهمانی و نشاط هم‌خوانی داشته باشد. در این هنر نقوش نیک و خوشایند مانند خروس، ماهی، طاووس و گیاهانی مانند سرو و انواع گل‌ها با رنگ‌های شاد و زنده‌ای چون سبز، سفید، قرمز و زرد به‌چشم می‌خورد. به‌نظر می‌رسد بسیاری از این نقوش هم از محیط پیرامون و هم از نقش‌مایه‌های کهن الگو گرفته شده و هنرمند به‌طور ناخودآگاه از نقش‌مایه‌های نمادین که ریشه در باورهایی چون باروری و عشق، در ارتباط با آب، گیاه و زمین، استفاده کرده است.

- رابطه برخی از نقوش با ایزدبانوی باروری (آناهیتا یا ناهید) و ایزد مهر

برخی از نمادها آنقدر تأثیر مهمی در زندگی انسان‌ها داشته‌اند که در زمان‌های طولانی و فرهنگ‌های مختلف به آنها اشاره شده است، مانند آب که اعتقاد به اینکه منشأ حیات است در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی مشترک است. آب برای زرتشتیان کویرنشین یزد و کرمان بسیار مهم بوده است و می‌توان چنین استنباط کرد که آنها این اهمیت را به‌صورت نماد در دست‌ساخته‌هایشان آورده باشند. بر همین اساس برخی از نقوش این هنر می‌توانند نشان از الهه آب، باروری و عشق باشند. آنچه در اینجا حائز اهمیت است اینکه هنرمند حتی اگر معنای نقوش را نداند، اما نقش را براساس پیشینه هنری‌ای که از گذشتگان به او رسیده و یا مفاهیمی که به‌نوعی در ضمیر ناخودآگاه جمعی است، تصویر می‌کند. «در میان ایزدبانوان در ایران آناهیتا به‌عنوان ایزدبانوی بزرگ و حتی مادر شناخته شده که با آب و باروری ارتباط دارد» (Boyce, 1989, 1009).











تصویر ۴. روسری همراه با زرتشتی دوزی، احتمالاً یزد، دوره قاجار، با انواع نقوش جانوری، گیاهی و هندسی همراه با خط‌نوشته، نقش موسوم به حوض و ماهی در وسط طرح قرار دارد. مأخذ: سایت موزه ویکتوریا و آلبرت www.vam.ac.uk



تصویر ۵. لباس عروسی زرتشتیان با تزیینات زرتشتی دوزی، چپ: جزئیات زرتشتی دوزی همین لباس، دوره صفویه، حدود ۱۸۰۰ م. مأخذ: <http://textileasart.com>

جدول ۲. برخی از نقوش مورد استفاده در هنر زرتشتی دوزی و مفاهیم آنها. مأخذ: نگارندگان.

نقوش	شاخص‌ها	مفاهیم	نمونه
نقوش گیاهی	درخت	نماد زندگی بخش بودن و باروری است و ساحتی زنانه دارد. درخت سرو به دلیل صفت آزادگی ارتباط با ناهید دارد.	
	گل	گل هشت‌پر و چهارپر نماد مهر و ناهید هستند.	
نقوش جانوری	طاووس	مرغ ایزدبانوی ناهید بوده و در آیین زرتشت به مثابه مرغ مقدس است.	
	خروس	در سراسر جهان نمادی خورشیدی است. برای میترا در نقش ایزد خورشید مقدس است.	
	ماهی	نماد باروری و حاصلخیزی و تداعی گر ایزدبانوی مادر است.	
	حیوان شاخدار مانند بز	ایزد شاخدار نماد باروری و قدرت بوده است.	
	نقوش هندسی	لوزی و مثلث	لوزی نمادی زنانه و بازنمایی الهه مادر. مثلث برگرفته از عدد سه است و عدد سه در ارتباط با ایزدبانوان بوده است.
دایره		نمادی از وحدت، کلیت، شکستگی و کمال است.	
نقوش برگرفته از محیط		خورشید	در ارتباط با میتراست.
	خورشید خانم	از تلفیق دو عنصر خورشید و مادینه گرد هم آمده است.	

تیسفون دوره ساسانی، در تزیینات و دو طرف درخت زندگی بسیار دیده می‌شود. در نقش طلسم (بنگرید به تصویر ۵) دو طاووس در بالای سر عروس و داماد سوزن‌دوزی شده و چنین استنباط می‌شود که این طلسم دارای عناصر نمادین ایزدبانو ناهید و باروری است. پرنده دیگر در این سوزن‌دوزی‌ها خروس است. در فرهنگ مزدیسنا خروس از مرغان مقدس است و به فرشته بهمن اختصاص دارد. «خروس در سپیده‌دم با بانگ خویش دیو ظلمت را می‌راند و مردم را به برخواستن و عبادت و کسب‌وکار فرامی‌خواند» (شوالیه، ۱۳۸۷، ج. ۳، ۹۱). خروس با سروش ایزد پیوند تنگاتنگی دارد.

– ماهی: از نقوش مورد استفاده در زرتشتی‌دوزی است. «ماهی نماد باروری و حاصلخیزی است» (هال، ۱۳۸۰، ۱۰۰) و «تداعی گر همه مفاهیم ایزدبانوی مادر در نقش زاینده است» (کوپر، ۱۳۸۶، ۳۴۲). این نقش مایه در یزد، که دارای آب و هوای خشک است، رابطه مستقیمی با باران و الهه باروری و فراوانی دارد، زیرا جزء نقوشی است که حتی روی سفال‌ها و دیگر هنرهای سنتی مانند زیورآلات این منطقه نیز دیده می‌شود. در تصویر طلسم (بنگرید به تصویر ۵) در بالاترین نقطه بعد از عروس و داماد و پرنده‌ها، دو ماهی قرار دارند و می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نمادی از باروری و فراوانی هستند.

– مار: «مار در میان عیلامیان در زمان مدارسالاری مظهر باروری بوده و در تمدن‌های پیش از تاریخ بسیاری از الهه‌ها با ماری پیچیده بر بدن یا دهان نشان داده می‌شدند» (بهار، ۱۳۷۶، ۱۴۰). «مار را به‌عنوان حیوان قمری می‌شناسند و ایزدبانوی ناهید را هم از جمله الهه‌های قمری می‌خوانند» (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۵۵). «همچنین ماه نیز احتمالاً به دلیل کاهش دوره‌ای خود، با آبستنی و بارداری ارتباط دارد. بر همین اساس ایزدبانوان قمری نیز بر زایمان و حمایت از زنان ازدواج کرده نظارت دارند» (Eliade, 1975, 306-307). در تصویر ۵ نقش مار در زیر پای مرد و زنی که روبه‌روی هم نشسته‌اند سوزن‌دوزی شده و چون این نقش به‌عنوان نوعی طلسم روی لباس عروس کار شده، رابطه آن را با باروری و ایزدبانوی ناهید به‌خوبی آشکار کرده است.

– حیوانات شاخدار: از نقش‌مایه‌های زرتشتی‌دوزی این نقش است. «در ایران باستان ایزد شاخدار نماد باروری و قدرت بوده و شاخ در اکتشافات خاور نزدیک نماد قدرت مافوق طبیعی است» (وارنر، ۱۳۸۶، ۵۳۶). در برخی از نقره‌های ساسانی ایزدبانوی آناهیتا با کلاهی شاخدار ترسیم شده و در حالی که ایزدبانوی ایشتر نیز که از ایزدبانوان بین‌النهرین است و شباهت‌های زیادی با آناهیتا دارد کلاهی شاخدار بر سر می‌گذاشته است. می‌توان براساس مطالب ذکر شده رابطه حیوان شاخدار با ایزدبانوی باروری و آب را دریافت.

به گونه‌ای با کهن‌الگوی مادر ارتباط دارد و در برخی از تصاویر به‌جای تصویرکردن زن درخت تصویر شده است که دلالت بر ساحت زنانه و مادرانه آن دارد» (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۲۹). «یکی از موضوعات مهم درباره درخت مفهوم سه‌تایی مقدس شامل ایزدبانوی زمین به شکل درخت زندگی یا ستون در میان دو عنصر محافظ مذکر است. این بن‌مایه مقدس در اکثر فرهنگ‌ها از جمله ایران دیده می‌شود. در هنرهای ایرانی، محافظان به‌صورت شیر، طاووس، بز، پرنده‌گان و ... تصویر شدند که هر یک به‌نحوی نقش محافظ و نمادی از خورشید را ایفا می‌کنند. درخت سبز به برکت عمر طولانی و همیشه سبز بودن در میان بسیاری از اقوام درخت زندگی نام گرفته و در بین درختان جنبه اساطیری قدرتمندی دارد. «به‌نظر برخی از محققان سرو به دلیل انتصاب صفت آزادگی، ارتباط تنگاتنگی با ناهید دارد، زیرا ایزدبانوی ناهید نیز در اساطیر به صفت آزادگی و آزادی شناخته می‌شود» (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۶۰). درخت سرو بیشترین نمونه درخت در هنر زرتشتی‌دوزی روی لباس زنان و به‌خصوص لباس عروس است و به‌نظر می‌رسد که انتخاب این نوع درخت، رابطه‌ای مستقیم با مفهوم زن، باروری و ایزدبانوی آناهیتا دارد.

– گل: گل شیلونه، دایره‌مانند و نماد چرخ زندگی است و به دسته‌های گل چهار، شش و هشت‌پر تقسیم می‌شود. «بسیاری از محققان گل هشت‌پر را همان نیلوفر آبی می‌دانند که نماد هم مهر و هم ناهید است. این گل از سویی با آب و ایزدبانوی ناهید و از سوی دیگر با خورشید و ایزد مهر ارتباط دارد» (همان، ۸۴۰). در هنر زرتشتی‌دوزی نقوش گل هشت‌پر می‌تواند نشانه‌های آناهیتا و مهر باشد. گل آفتابگردان: «گل آفتابگردان نماد برکت و خوش‌یمنی، پرستش و شیدایی است، زیرا بنده‌وار تابع خورشید است و در آیین مهر نشانه میترا ایزد خورشید است» (کوپر، ۱۳۸۶، ۸).

– نقوش جانوری

– پرنده: نقش طاووس در هنر زرتشتی‌دوزی بسیار پرکاربرد است و با پرهای باز و بسته نقش شده است. «طاووس در آیین زرتشت دارای تقدس است و ایرانیان باستان بر این اعتقاد بوده‌اند که طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات عمر جاودانه یافته است. همچنین طاووس را مرغ ایزدبانوی ناهید می‌شناسند» (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹). این پرنده در بسیاری از تصاویر ساسانی در کنار ایزدبانوی آناهیتا تصویر شده است. «طبری در مورد آتشکده‌ها و معابد زرتشتی، که تا قرن سوم هجری باقی بوده است، اشاره می‌کند که در نزدیکی آتشکده بخارا مکان خاصی برای نگهداری طاووس‌ها اختصاص داده شده بود» (Gelfer-Jorgensen, 1986, 131). «طاووس‌های ایستاده در دو سوی درخت حیات مظهر ثنویت و طبیعت دوگانه انسان هستند» (کوپر، ۱۳۸۶، ۲۵۲). این نقش در بسیاری از آثار قبل از اسلام در نقش برجسته‌های طاق بستان، پارچه‌ها یا در لوح‌های گچی

نقوش هندسی

- لوزی و مثلث: این اشکال یکی از نقش‌مایه‌های بسیار تکرارشونده در هنر زرتشتی دوزی است. «شکل دراز و کشیده لوزی متشکل از دو مثلث که از پایه به هم چسبیده‌اند نشانه تلاقی و تبادل میان آسمان و زمین، عالم بالا و عالم پایین و حتی گاه نشانه وصلت دو جنس است» (شوالیه، ۱۳۸۷، ج. ۵، ۳۱). «لوزی از دو مثلث تشکیل شده و مثلث شکل انتزاعی ایزدبانوی باروری است» (Baring & Cashford, 1993, 33). «مثلث برگرفته از عدد سه است و عدد سه در ارتباط با ایزدبانوان بوده است. لوزی هم از این دسته است و این شکل را نیز بازنمایی الهه مادر می‌دانند» (Black & Green, 2004, 176).

- دایره: شکل مدور نمودار یکی از مهم‌ترین جهات زندگی یعنی وحدت، کلیت و کمال است (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۷۷) گردی طبیعی‌ترین شکل محسوب می‌شود و از این رو مقدس است (کوپر، ۱۳۸۶، ۱۴۱).

نقوش برگرفته از محیط

- خورشید: نقش خورشید در زرتشتی دوزی‌ها می‌تواند در ارتباط با میترا باشد. زیرا در دین زرتشت آن‌ها به عنوان ایزدبانو و میترا به عنوان ایزد همیار اهورامزدا شناخته شده‌اند. در آرای آیین مهرپرستی که از کیش‌های رایج پیش از اسلام ایران بوده، خورشید در مقام مهر فرض شده و تولد میترا، روز ولادت خورشید خوانده شده است (زمردی، ۱۳۸۲، ۵۰). «خورشید روشنی و گرما می‌بخشد و نشانه حیات و سرچشمه نیروی (انرژی) انسان است» (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۷۸).

- خورشید خانم: از نقوشی زرتشتی دوزی، نقش‌مایه‌ای مشابه خورشید است که تجریدی و مشعشع تصویر شده درحالی که درونش با رخساره زنی با گیسوان از میان باز، ابروان در هم پیوسته و لبانی کوچک مزین شده است. «نگاره مذکور از تلفیق دو عنصر خورشید و مادینه گرد هم آمده است و این امر سبب اطلاق اصطلاح خورشید خانم به این نگاره در هنرهای تصویری و ادبیات شده است» (بختورتاش، ۱۳۸۰، ۲۴۴). «این نگاره در اعتقادات فرهنگی ادوار پیشین مورد

ستایش قرار گرفته است و از آنجایی که زن در فرهنگ پیش از اسلام قدرت اول و بارور زمین به‌شمار می‌آمده است، با خورشید به‌عنوان درخشان‌ترین، بارورترین و قدرتمندترین عنصر آسمانی، قیاس و برابر دانسته می‌شده است» (فروه‌وشی، ۱۳۵۲، ۲۱). «صورت خورشید خانم را اغلب روی طلسم‌های مدور یا چهارگوش می‌کشند و این طلسم‌ها را روی دیوار خانه‌ها، در عروسی‌ها یا اتاق بچه‌ها برای آرایش یا دفع چشم بد می‌آویزند» (گلاک و گلاک، ۱۳۵۵، ۲۳۵).

تحلیل زیبایی‌شناختی

برای تحلیل زیبایی‌شناختی نقوش زرتشتی دوزی به تحلیل فرم و ساختار نقوش سپس الگوی دوخت در پوشاک زرتشتیان پرداخته می‌شود.

فرم و ساختار نقوش به‌کاررفته در هنر زرتشتی دوزی

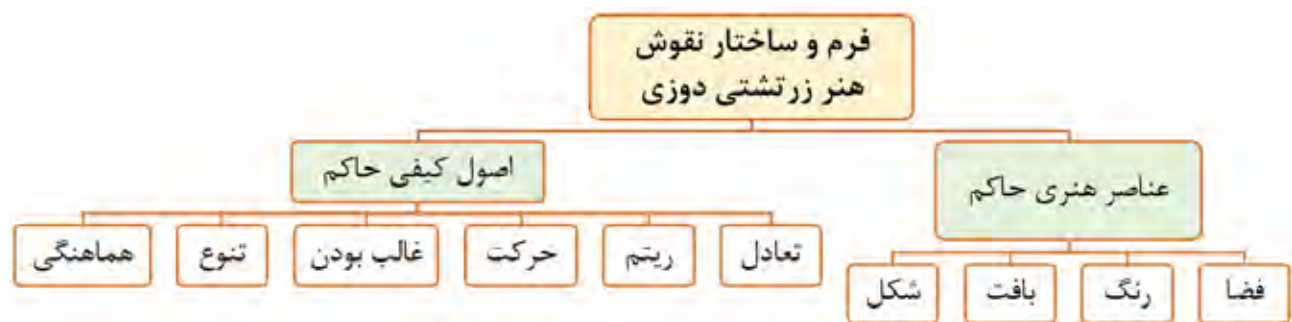
فرم و ساختار نقوش در هنر زرتشتی دوزی شامل یک‌سری عناصر هنری و اصول کیفی حاکم است^۶ (تصویر ۶). هر کدام از این عناصر و اصول به‌طور جداگانه در جدول‌های ۳ و ۴ شرح داده شده است.

الگوی دوخت در هنر زرتشتی دوزی

در تحلیل زیبایی‌شناختی نقوش به دلیل الگوی خاص دوخت در هر یک از پوشاک زرتشتی اعم از مَکنا یا مَکنو^۷ و لَچک^۸ (تصویر ۷)، پیراهن (تصویر ۸)، شَوال یا شلوار^۹ (تصویر ۹) و کلاه (تصویر ۱۰) به این مورد به‌صورت جداگانه پرداخته شده است (جدول ۵). شایان ذکر است زرتشتی دوزی فقط روی قسمت‌هایی از پوشاک زرتشتیان دوخته می‌شود که طبعاً به هنگام پوشیدن، بیرونی‌ترین بخش از جامه و در معرض دید سایرین بوده است.

تحلیل کارکردشناختی

در تحلیل کارکردشناختی، اثر هنری از جنبه‌های کاربردی و تزیینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هنر زرتشتی دوزی در طول زمان از جنبه کاربردی برخوردار بوده تا جنبه تزیینی صرف. موارد کاربرد این هنر در تصویر ۱۱ آورده شده است. این هنر بیشتر بر لباس بانوان دوخته می‌شده است و یا از



تصویر ۶. روش تحلیل فرم و ساختار نقوش هنر زرتشتی دوزی، مأخذ: نگارندگان.

جدول ۳. عناصر هنری حاکم بر نقوش زرتشتی دوزی، مأخذ: نگارندگان.

عناصر هنری	توضیحات
فضا	نقوش در فواصل فضایی فشرده به هم نقش می‌شوند که نشان‌دهنده نوعی رابطه و پیوند میان آنهاست - بیزاری از فضای خالی - قرارگیری نقوش در کنار هم به گونه‌ای است که اکثر آنها از روبه‌رو نقش شده‌اند. نقش ماهی گاهی از بالا تصویر شده است.
رنگ	استفاده از رنگ‌های گرم، روشن و درخشان (شامل رنگ‌های سبز، قرمز، زرد، آبی، نارنجی).
بافت	بافت بسیار نرم بر روی پارچه به‌خاطر ظرافت دوخت.
شکل	تفاوت‌گذاری میان جهان نقش‌شده با جهان واقعی از طریق انتزاعی کردن نقوش و دوری از واقع‌گرایی.

جدول ۴. اصول کیفی حاکم بر نقوش زرتشتی دوزی، مأخذ: نگارندگان.

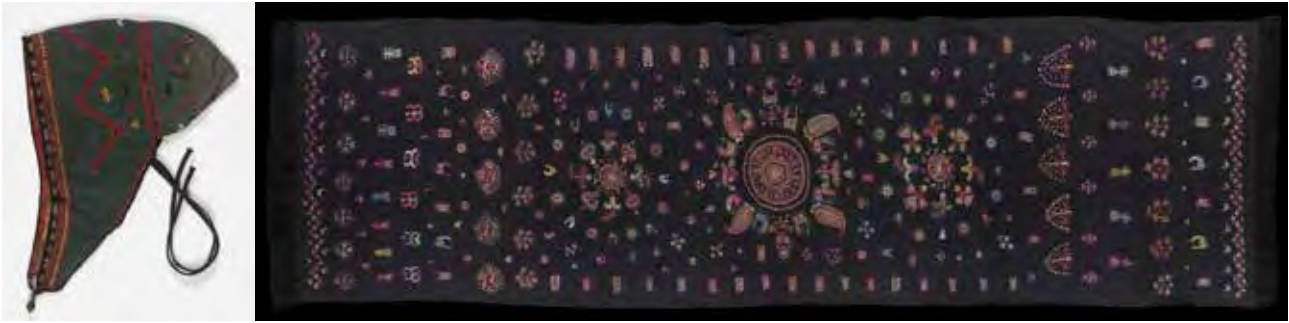
اصول کیفی	توضیحات
تعادل	طرح کلیت کار از لحاظ ترکیب‌بندی دارای تعادل است.
حرکت	نقوش ایستا و بدون حرکت هستند.
غالب‌بودن / نقطه تمرکز	تمرکز نقوش به گرد یک هسته مرکزی، که غالباً نقش خورشید یا نقش حوض و ماهی است.
تنوع	قرارگیری نقوش متنوع در کنار هم با آرایشی خاص که در طول سالیان بدین شیوه تکرار شده است.
هماهنگی	ترکیب‌بندی نقوش دارای کلیت متناسب و دارای نظم است. عدم تشابه و ناهمانندی در جزئیات با توجه به سلیقه هنرمند شکل می‌گیرد.
ریتم / تکرار	نقوش دارای ریتمی منظم بوده و در کنار هم تکرار می‌شوند.

می‌کنند. ترکیب رنگ‌هایی که این هنر را به تصویر می‌کشد و رشته‌نمادهایی که نقش‌ها را می‌آفریند و نیز مناسبت‌هایی که در آن پوشیدن این جامه‌ها انجام می‌گیرد را می‌توان پیرو این باور زرتشتیان دانست که شادبودن تکلیف دینی دلیلی پذیر کیش زرتشتی است (مزداپور و مزداپور، ۱۳۹۶، ۲۰).

نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش بود که معانی فرهنگی و معیارهای زیبایی‌شناختی و کارکردی نقوش زرتشتی دوزی چیست؟ نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نقش‌مایه‌های زرتشتی دوزی در خود عناصری را جای داده‌اند که به نوعی

آنچه بازمانده چنین برمی‌آید و بر جامعه مردان، طبق نمونه‌های موجود، فقط بر عرقچین یا کلاه داماد نقش شده که کاملاً تشریفاتی و مخصوص داماد بوده است. شاید در گذشته این هنر بر دیگر جامه‌های مردان چون قبا نیز کار می‌شده است، ولی نمونه‌ای از آن در دست نیست. همچنین در لباس کودکان همچون کلاهک یا پارچه‌ای که بر قنداق نوزاد می‌بستند، نیز از این هنر استفاده می‌کردند. کاربرد این هنر در جامعه زرتشتی در زمان‌های خاص و به مناسبت‌های مخصوصی از جمله عروسی و جشن‌ها بوده است. این هنر را باید تزیین جامه‌های شادی دانست و به این خاطر تصاویر منقوش بر آنها و رنگ‌های به‌کاررفته طرحی از این معنا را در خود بازنمایی



تصویر ۷. راست: مکنّا با تزیینات زرتشتی دوزی متعلق به یک دست لباس عروسی، ۹۳×۳۲۸ سانتیمتر، قرن چهاردهم ق.. مأخذ: www.qajarwomen.org
چپ: لچک، قرن نوزدهم م. در یزد. مأخذ: موزه ویکتوریا و آلبرت www.vam.ac.uk



تصویر ۸. دو لباس زرتشتی شامل لچک، مکنّا، پیراهن و شوال که دارای تزیینات زرتشتی دوزی است، قرن نوزدهم م. در یزد. مأخذ: راست: موزه ویکتوریا آلبرت www.vam.ac.uk
چپ: موزه هنر ایندیاناپولیس <https://discovernewfields.org>



تصویر ۹. راست: شوال یک بانوی زرتشتی با تزیینات زرتشتی دوزی با نقوش جانوری، گیاهی و هندسی، ۱۹۲۱-۱۹۲۳ م. در کرمان. مأخذ: موزه ملی اسکاتلند www.nms.ac.uk
چپ: جزئیات نقوش یک شوال. مأخذ: موزه ملی اسکاتلند www.nms.ac.uk

با بستر جغرافیایی، فرهنگی و دینی ارتباطی تنگاتنگی دارند. این نقش‌مایه‌ها اگرچه در لحظه نخست اشکال ساده‌ای هستند و به نظر می‌رسند هنرمند آنها را به صورت بداهه و بدون اینکه در پس آنها مفهومی بگنجاند، تصویرسازی و سپس سوزن‌دوزی کرده است، دارای معنا هستند. سه بعد زیبایی‌شناختی، معناشناختی و کارکردشناختی در این هنر رابطه تنگاتنگی با هم دارند و هنرمند نه تنها از اصول فرم و ساختار هنری بهره جسته، بلکه در انتخاب موضوع، معنا و کارکرد نیز سعی کرده است تا باورهای فرهنگ زرتشتیان چون شاد زیستن را حفظ کند. آنچه از نقش‌مایه‌های زرتشتی‌دوزی در بعد معناشناختی استنباط می‌شود رابطه معنادار میان نقش و کاربرد لباس است، بدین معنا که بیشتر این نقوش چون ماهی، طاووس، لوزی، خورشید خانم، درخت سرو و نقوش ترکیبی هندسی و یا ترکیب انسان، گیاهان و حیوانات روی لباس زنان و لباس



تصویر ۱۰. کلاه داماد با نقوش زرتشتی‌دوزی شده، دوره قاجار، ۱۸×۲۶ سانتیمتر. مأخذ: www.qajarwomen.org



تصویر ۱۱. تحلیل کارکردشناختی نقوش هنر زرتشتی‌دوزی، مأخذ: نگارندگان.

جدول ۵. الگوی خاص دوخت در زرتشتی‌دوزی، مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	نوع پوشاک
در طراحی سوزن‌دوزی برای مکنا معمولاً از یک الگو پیروی می‌شود، نقش دایره در نماد خورشید و یا نقش موسوم به حوض و ماهی در وسط مکنا و بقیه نقوش به صورت قرینه در اطراف آن دوخته می‌شوند ولی در بعضی موارد جای‌گیری نقوش به صورت قرینه است، ولی نقوش یکسان نیستند. برای لچک فقط در بخش پیشین که بر جلو پیشانی قرار می‌گیرد سوزن‌دوزی می‌شده است.	مکنا و لچک
پارچه پیراهن بانوان زرتشتی معمولاً در چند تکه جدا بریده و در کنار هم دوخته می‌شوند که به این مدل پیراهن «تیر و سیخ» می‌گویند. نقوش بر روی این ل‌تها به صورت منظم و معمولاً به صورت متقارن دوخته می‌شوند.	پیراهن
پارچه شوال به صورت چندتکه بریده و در کنار هم دوخته می‌شوند. نقوش بر روی این ل‌تها به صورت منظم سوزن‌دوزی می‌شوند.	شوال
نقوش بر روی کلاه داماد در تقسیم‌بندی‌های دایره‌ای شکل در کنار هم با نظم خاص و تکرنگ سوزن‌دوزی می‌شوند.	کلاه داماد

عروس کار شده که خود نه تنها نشان دهنده باور به شاد زیستن است، بلکه دارای مفاهیم و نمادهای کهن الگوی مادر است و با ایزدانوی باروری و آب در ارتباط است. به نظر می‌رسد هنرمند در طراحی این نقوش چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه باورهای ادیان باستان را به تصویر کشیده است. در بعد زیبایی‌شناختی نقوش دارای رنگ‌های شاد و دارای تعادل، ریتم و نظم بوده و نکته قابل توجه عدم تقارن در نقوش حتی به صورت جزئی است. این نقوش با الگوی دوخت لباس هماهنگ بوده و بسته به فرم لباس و در جایی که بیشترین دید از نظر سایرین را داشته، کار می‌شده است. برای مثال در مکتا ترکیب بندی دایره وار بوده و یا در لچک نقوش در جلو و پیشانی کار می‌شده است. در بعد کاربردی نقوش می‌توان به این نکته مهم رسید که این نقوش روی لباس‌هایی که صرفاً در جشن‌ها و تشریفات بوده کار شده و بیشترین کارایی را روی لباس زنان مخصوصاً عروسان داشته و نشانگر باورهای آیین زرتشت و همچنین آیین‌های باستانی ایران است.

تقدیر و تشکر: بدین وسیله از همراهی و همیاری سرکار خانم‌ها مزدآپور، خانم فرخانی مدیر مؤسسه پورچیستا یزد، جناب آقای ناهید مدیر خانه کسرای یزد، جناب موبد فریبرز شهرزادی و مسؤلان موزه فرهنگ و هنر زرتشتیان مارکار یزد که اینجانبان را در شناخت هر چه بیشتر این هنر گراند قدر یاری رساندند، بسیار سپاس‌گزاریم و از خداوند متعال توفیق روزافزون برای این عزیزان خواستاریم.

پی‌نوشت‌ها

- Howard Morphy، متخصص حوزه انسان‌شناسی هنر.
- در این تقسیم‌بندی نام‌هایی آورده شده که در تحقیق میدانی از بانوان مسن زرتشتی از آنها نام برده‌اند.
- شیلونه نام زرتشتی برای گیاه عناب است.
- برسم‌دان وسیله‌ای به شکل دوپایه فلزی با دو شاخه هلالی شکل است که برسم را روی آن قرار می‌دهند و برسم شاخه‌های بریده شده درخت انار، مورد، سرو، و مانند آن که موبدان زرتشتی هنگام اجرای برخی مراسم مذهبی به‌دست می‌گیرند (عمید، ۱۳۷۹).
- در خصوص اصول کیفی و عناصر هنری حاکم در آثار هنرهای تجسمی از کتاب «تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی» نوشته چارلز جنسن (۱۳۸۴) استفاده شده است.
- سراندازی که طول آن حدود ۳/۵ و عرض آن کمی بیش از ۱ متر است و روی لچک استفاده می‌شود.
- پارچه‌ای سه‌گوش است که در زیر مکتا پوشیده می‌شود.
- همان شلوار بانوان زرتشتی است. بیشترین قطعه از پوشاک که روی آن زرتشتی‌دوزی نقش می‌بسته، شوال بوده است و به همین خاطر گاهی با عنوان «شوال نقش» این سوزن‌دوزی را یاد می‌کردند.

فهرست منابع

- اسنودن، روت. (۱۳۹۳). یونگ مفاهیم کلیدی (ترجمه افسانه شیخ الاسلام‌زاده). تهران: عطائی.
- ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۹۳). شکوفایی انسان‌شناسی هنر در آثار هوارد مورفی. *تقدنامه هنر: نقد نشانه‌شناسی هنر*، (۵)، ۲۷-۵.
- بختورتاش، نصرت‌اله. (۱۳۸۰). *نشان رازآمیز*. تهران: فروهر.

- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- بژگی، طیبیه. (۱۳۹۱). *بحثی در لباس و پوشش مردم ایران در دوره افشاریه*. تاریخ پژوهی، (۵۳)، ۲۶۷-۲۴۵.
- انجمن بین‌المللی زنان در ایران. (۱۳۵۲). *نگار زن، تاریخ مصور لباس زن در ایران*. تهران: انجمن بین‌المللی زنان در ایران.
- پوپ، آرتور آپهام و آکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز) (ترجمه نجف دریابندری)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۶۹). *سفرنامه تاورنیه (ترجمه ابوتراب نوری)*. تهران: کتابفروشی سنائی.
- جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۰). *بررسی حجاب و نوع پوشش زنان زرتشتی در ایران عصر صفوی*. تحقیقات فرهنگی ایران، (۳)، ۴۳-۲۳.
- جنسن، چارلز. (۱۳۸۴). *تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی (ترجمه بتی آواکیان)*. تهران: سمت.
- دلواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلواله (ترجمه شعاع‌الدین شفا)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- دوبوکور، مونیگ. (۱۳۷۳). *رمزهای زنده‌جان (ترجمه جلال ستاری)*. تهران: مرکز.
- زمردی، حمیرا. (۱۳۸۲). *نگرش تطبیقی ادیان و اساطیر شاهنامه فردوسی*. تهران: انتشارات زوار.
- سانسون. (۱۳۷۷). *سفرنامه (ترجمه محمد مهریار)*. اصفهان: گل‌ها.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۷). *سفرنامه شاردن (ج. ۴، ترجمه محمد عباسی)*. تهران: امیرکبیر.
- شوالیه، ژان و گربران، الن. (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها، اساطیر، رویاها، رسوم و ... (ترجمه سودابه فضایی)*. تهران: جیحون.
- صبا، منتخب. (۱۳۷۹). *نگرشی بر روند سوزندوزی‌های سنتی ایران: از هشت هزار سال قبل از میلاد تا امروز*. تهران: منتخب صبا.
- صباغ‌پور، طیبیه و شایسته فرو، مهناز. (۱۳۸۹). *بررسی نقشمایه نمادین پرند در فرش‌های صفویه و قاجار از نظر شکل و محتوا*. فصلنامه نگره، (۱۴)، ۴۹-۳۹.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۴۳). *پوشاک باستانی ایرانیان: از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان*. تهران: اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۴۵). *پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۷۸). *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*. تهران: هیرمند.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- فروهوشی، بهرام. (۱۳۵۲). *ایران‌ویچ*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳). *سفرنامه فیگوئروا (ترجمه غلامرضا سمیعی)*. تهران: نشر نو.
- قانی، افسانه. (۱۳۹۵). *تحلیل فرهنگی قالی خشتی چالستر با رویکرد انسان‌شناسی هنر (رساله دکتری، پژوهش هنر)*. دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- کارری، جملی. (۱۳۸۳). *سفرنامه کارری (ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- کوپر، جی سی. (۱۳۸۶). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی (ترجمه*

- Baring, A. & Cashford, J. (1993). *The Myth of the Goddess: Evolution of an Image*. London: Penguin Books Limited.
- Black, J. & Green, A. (1992). *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia: An Illustrated Dictionary*. Austin: University of Texas Press.
- Boyce, M. (1989). Ardvisur Anahid. In *Iranica* (pp. 10031011). (Ed.) E. Yarshater. London: Routledge & Kegan Paul.
- Eliade, M. (1975). *The Encyclopedia of Religion* (vol. 5). New York & London: Macmillan.
- Gelfer-Jorgensen, M. (1986). *Medieval Islamic Symbolism and the Paintings in the Cefalù Cathedral*. Leiden: Brill Academic.
- Morphy, H. (1992). Aesthetics in a cross cultural perspective: some reflections on native American basketry. *JASO*, (XXIII), 1-16.
- Morphy, H. (1994). The anthropology of art. In *Companion Encyclopedia of Anthropology*. (Ed.) T. Ingold, London & New York: Routledge.
- Morphy, H. & Perkins., M. (2006). *The Anthropology of Art: A Reflection on Its History and Contemporary Practice*. Oxford: Blackwell.

- ملیحه کرباسیون. تهران: فرهنگ نشر نو.
- گلاک، جی و گلاک، سومی هیراموتو. (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران. تهران: بانک ملی ایران.
- مزداپور، شیرین. (۱۳۸۶). بررسی طرح‌های سوزن‌دوزی زرتشتی جهت چاپ مانتو (پایان‌نامه کارشناسی). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.
- مزداپور، کتابون و مزداپور، شیرین. (۱۳۹۶). بازاریابی گل و نقش. تهران: فرهنگستان هنر.
- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان* (ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور). تهران: هیرمند.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: صدای معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۶۸). چهار صورت مثالی، مادر، ولادت مجدد، روح، مکار (ترجمه پروین فرامرزی). تهران: آستان قدس.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یآوری، حسین. (۱۳۸۵). مختصری درباره رودوزی‌ها در ایران و جهان. رشد آموزش هنر. (۶)، ۴۶-۵۳.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

عزیزی، رویا و طباطبایی جبلی، زهره. (۱۳۹۹). مطالعه نقوش زرتشتی‌دوزی با رویکرد انسان‌شناسی هنر. *باغ نظر*، ۱۷(۸۵)، ۳۰-۱۷.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.164417.3925

URL: http://www.bagh-sj.com/article_107799.html

